

موسسه عالی آموزش و پژوهش
مدیریت و برنامه ریزی

فکرآیند مدیریت و توسعه

فصلنامه | شماره ۶۸ و ۶۹ | تابستان و پاییز ۱۳۸۷ | ۸۰۰۰ ریال

شماره استاندارد بین‌المللی ۰۷۱۹-۱۷۳۵

● روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی: اثرپذیری از حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی
محمود شارع پور

● بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی
محسن نوغانی و احمدرضا اصغرپور ماسوله

● نقش علوم انسانی در توسعه سرمایه اجتماعی
نعمت‌الله عزیزی

● سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استانهای ایران
محسن رنایی و رزیتا مویدفر

● بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روانی مورد مطالعه
دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
طاهره سلطانی و مژده جمالی

● واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با تحصیل فرزندان
حسین نازک تبار و رضا ویسی

ویژه نامه:

سرمایه اجتماعی

فرآیند مدیریت توسعه

Management & Development Process

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی تحلیلی و آزمون تجربی رابطه میان سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی در ایران است و نظریه محوری انتخاب شده چنین است که: سرمایه اجتماعی (در اینجا به عنوان اعتماد متقابل بین افراد و واحدهای اقتصادی)، عامل مهمی است که در کنار سایر عوامل مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، اختلاف بین رشد اقتصادی مناطق را توضیح می‌دهد. در این دیدگاه، اعتماد به معنی «اعتقاد به پایبندی افراد به تعهداتشان در تعامل‌های اقتصادی - اجتماعی» است. در واقع چنین اعتقادی است که موجب آسانی و روانی برقراری تعامل‌ها و مبادله می‌گردد. بر این اساس، نخست چارچوبی نظری برای تبیین آثار مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ارائه شد، سپس در یک آزمون تجربی این رابطه برای استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰، مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، نخست با استفاده از داده‌های مربوط به ۲۸ استان کشور، رابطه بین اعتماد (در دو دسته اعتماد خاص و اعتماد عام) و رشد اقتصادی، بررسی شد. آنگاه به منظور تفکیک «شدت اثر» اعتماد به گروه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف بر روی رشد اقتصادی و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی مشمول دسته «اعتماد عام» به سه زیر شاخه: مراجع قانونی، مراجع اجتماعی و مراجع اقتصادی تقسیم گردید و اثر هر یک به صورت جداگانه بر روی رشد اقتصادی آزمون شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، اعتماد عام از شدت اثر بیشتری با درجه معنادار بالاتری نسبت به شاخص عام برخوردار است. همچنین تفکیک شاخص اعتماد عام به سه گروه مراجع قانونی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت معنادار گروه‌ها را در توجیه تغییرات رشد اقتصادی در میان استان‌ها نشان داد. در این میان، اعتماد به مراجع اقتصادی و سپس مراجع قانونی به مراتب بیش از شاخص اعتماد به مراجع اجتماعی، رشد اقتصادی در میان استان‌ها متأثر می‌سازد.

سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی:

بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران

محسن رثانی

رزیتا مؤیدفر

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، اعتماد خاص، اعتماد عام، هنجار، شبکه، گروه‌های اجتماعی، رشد اقتصادی

سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران

دکتر محسن رنانی^۱

رزیتا مؤیدفر^۲

مقدمه

ابداع نظریه نهادها توسط نورث برای نخستین بار در سال ۱۹۵۰، اقتصاددانان را در این اندیشه فروبرد که فرض استقلال افراد از یکدیگر و نادیده انگاشتن ساختار روابط انسان‌ها بر تصمیم‌های اقتصادی، غفلتی است که نظریه‌های اقتصاد را در تجربه، با خطای سیاست‌گذاری مواجه ساخته است و حتی شاید بتوان تفاوت سطوح توسعه‌یافتگی در جوامع غنی از منابع اقتصادی و انسانی را از این طریق تحلیل کرد. این مسئله موجب شد تا اندیشمندان اقتصادی با برقراری پیوند بین حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، ریشه‌های اصلی و اساسی منطق، روابط انسانی را در دیگر علوم اجتماعی جست‌وجو کنند.

با عبور از مرزهای علم اقتصاد و ورود به دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی بویژه جامعه‌شناسی است که هر فرد با داشتن ذهنی آشنا نسبت به دیگران، گروه‌های اجتماعی^۳ متعددی در محدوده مناسب‌های اجتماعی خود دارد و درون این محدوده به برقراری ارتباط با دیگران می‌پردازد. این ارتباط برپایه اعتماد دوجانبه و هنجارهای مشترک شبکه‌هایی از مناسب‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند که در درون

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

E.mail: renani_m@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد
دانشگاه اصفهان

E.mail: rozita_moayedfar@yahoo.com

3. Social ties

آن همکاری و حمایت بین اعضا تحقق می‌یابد. از سوی دیگر، عضویت افراد در شبکه‌های متعدد، خطوط رابط بین شبکه‌ها را برقرار می‌سازد و در مجموع افراد جامعه و حتی جوامع در دوایر شبکه‌ای متداخل سازماندهی می‌یابند. تشکیل روابط درون‌شبکه‌ای و بین‌شبکه‌ای و استقرار آن در حد متعادل به شکل‌گیری شبکه‌های همپوشان و سرمایه اجتماعی می‌انجامد و موجب بهبود عملکرد اقتصادی - اجتماعی می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، تفاوت در ساختار شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی جوامع مختلف، می‌تواند یکی از دلایل اختلاف در رشد اقتصادی مناطق مختلف را توضیح دهد. تخمین شدت اثر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصاد، یکی از مسائلی است که طی یک دهه اخیر بسیاری از اقتصاددانان در پژوهش‌ها و بررسی‌ها خود به آن توجه کرده‌اند و کوشیده‌اند تا علاوه بر پایه‌گذاری مبانی نظری آن، شواهد تجربی را نیز مورد آزمون قرار دهند. از آن جمله می‌توان به مطالعات فدریک، دو کات و لوئیز^۱ (۱۹۹۹)، گلیرز، لیسون و ساکردوت^۲ (۲۰۰۲) و فرانکوئیس^۳ (۲۰۰۲) اشاره نمود.

در ایران نیز برخی از اقتصاددانان نوگرا بر این باورند که بخشی از ناکامی‌های سیاست‌های اقتصادی پس از جنگ تحمیلی، حاصل روند نزولی و رو به تخریب سرمایه اجتماعی در این دوره بوده است. در واقع تخریب سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه مبادله در چهره برخی متغیرهای مهم اقتصادی مانند (سرمایه‌گذاری تولیدی توسط بخش خصوصی، مقیاس بنگاه‌ها و...) ظاهر شده و به این ترتیب بر اقتصاد ایران اثر گذاشته است.

در این مقاله تلاش می‌شود پایه‌های نظری رابطه اعتماد را به‌عنوان یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی بنمایاند و آن را در مورد اقتصاد ایران بیازماید. از این‌رو ابتدا با توضیح مفهوم سرمایه اجتماعی و شناسایی اجزای اصلی تشکیل‌دهنده آن، زمینه لازم را برای دستیابی به مبانی نظری این رابطه، فراهم می‌سازد. سپس به‌وسیله تبیین رابطه شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی، فرضیه اصلی مقاله را مطرح می‌کند و پس از تبیین مبانی نظری این فرضیه، به بررسی تجربی آن در استان‌های ایران، در سال ۱۳۸۰ می‌پردازد. در پایان نیز نتایج آزمون تجربی، تحلیل و بررسی می‌شود.

1. Fedderk, De Kad, Luiz.

2. Glaeser, Laibson & Sacerdote

3. Francois

مفاهیم بنیادین: مفهوم سرمایه اجتماعی و اجزای تشکیل دهنده آن

مفهوم سرمایه اجتماعی که چند دهه در حوزه علوم اجتماعی مورد توجه بود، از آغاز دهه نود میلادی مورد توجه عالمان اقتصاد نیز قرار گرفت و کاربرد آن در اقتصاد با سرعت شگرفی گسترش یافت. مفهوم سرمایه اجتماعی اکنون - در کنار سرمایه انسانی و سرمایه مالی - به یکی از مفاهیم توضیح دهنده فرایندهای توسعه تبدیل شده است. سرمایه مالی (یا فیزیکی) ابزاری است برای افزایش قدرت تولید و بازدهی افراد به صورت برونزا. سرمایه انسانی نیز به معنی ارتقای توانایی‌های اکتسابی افراد است و قدرت تولید و بازدهی افراد را به صورت درونزا افزایش می‌دهد. سرمایه اجتماعی با تسهیل و کم هزینه ساختن مناسبت‌های اجتماعی و مبادله‌های اقتصادی، موجب افزایش بازدهی حاصل از بهره‌برداری مزیت‌های نسبی بین افراد، بنگاه‌ها، صنایع و مناطق می‌شود پیش از پرداختن به مباحث نظری رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی، به گونه‌ای کوتاه به بررسی مفاهیم بنیادین مرتبط با سرمایه اجتماعی می‌پردازیم.

وجود گروه‌های اجتماعی بر پایه اعتماد دو جانبه و هنجارهای مشترک منجر به ایجاد شبکه‌های اجتماعی می‌شود. با تشکیل شبکه‌های اجتماعی همکاری بین اعضای شبکه آسان می‌شود و حمایت دو سویه اعضای شبکه از یکدیگر شکل می‌گیرد و یا به عبارت دیگر مبادله‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد. حمایت اعضا از یکدیگر با اعتماد به اینکه در آینده پاسخی مستحق این حمایت از طرف مقابل دریافت خواهد شد، ذخیره اجتماعی را برای هر عضو به وجود می‌آورد و از انباشت این ذخیره اجتماعی در فرد، در شبکه‌ها (میان افراد) و در جامعه (میان شبکه‌ها)، سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد.

با توجه به تعریفی که از سرمایه اجتماعی ارائه شد، به روشنی درمی‌یابیم که سرمایه اجتماعی - به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر نحوه عملکرد اقتصاد - خود دارای اجزایی است که از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. در واقع سرمایه اجتماعی از چهار جزء اصلی: گروه‌های اجتماعی، هنجارها، اعتماد و شبکه‌ها تشکیل می‌شود. در ادامه به ارائه تعریفی در مورد هر یک از این عوامل می‌پردازیم.

۱. **گروه‌های اجتماعی:** گروه‌های اجتماعی در اصل ناشی از عواملی مانند خانواده، قوم، گروه و سازمان است که پایه شناخت اولیه افراد از یکدیگر

۱. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به مقاله مگدول و بسل (۲۰۰۰) نگاه کنید. آنها در مطالعه خود گروه‌های اجتماعی را پایه اعتبارات اجتماعی دانسته‌اند که افراد در مرادوات خود از آن بهره‌برداری می‌کنند و از این طریق به انباشت ذخیره اجتماعی مبادرت می‌ورزند تا در موقع لزوم همچون یک نقدینگی از آن سود ببرند. ذخایر اجتماعی در درون شبکه‌ها به تشکیل سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

شمرده می‌شود و به ایجاد اعتماد و پیوند بین افراد خاص می‌انجامد. به عبارت دیگر، گروه اجتماعی عبارت است از یک رابطه ویژه بین دو نفر که باعث می‌شود این دو فرد هنگام روبه‌رو شدن با یکدیگر ارتباط ویژه‌ای - فراتر از ارتباط دو فرد غریبه یا ناشناس - با هم برقرار کنند. مانند گروه‌های خویشاوندی، گروه‌های قومی و گروه‌های سازمانی. بنابراین وجود گروه‌های اجتماعی نیازمند وجود عامل اولیه‌ای است که پایه شناخت افراد از یکدیگر و ایجاد اعتماد و ارتباط قرار گیرد.

۲. اعتماد: اعتماد به معنی اعتقاد به پای‌بندی افراد به تعهداتشان (قراردادهای رسمی، غیررسمی، کتبی و شفاهی) در تعامل‌های اقتصادی - اجتماعی است. این اعتقاد محصول اطلاع فرد از عملکرد گذشته دیگران است. همچنین اعتماد نیرویی درونی است که فرد برای برقراری تعامل با دیگران ناگزیر به داشتن آن است.

۳. هنجار: هنجار یک قاعده رفتاری است که به وسیله اکثریت افراد جامعه - در عمل و از طریق رعایت آن - بر آن صحنه گذاشته می‌شود. هنجارها از نظر اقتصادی دارای اهمیت است، چون آن‌ها معمولاً قاعده‌های رفتاری مشترک را برای هر دو طرف یک مبادله اقتصادی مشخص می‌کند. این تعریف دارای محدوده وسیعی است که می‌تواند یک قاعده مورد حمایت قانون و یک رسم فرهنگی مختص یک قوم را دربرگیرد.

۴. شبکه: هر فردی دارای حوزه‌های مختلف برای مناسبت‌های اجتماعی است، مانند مناسبت‌های حوزه اقتصادی و مناسبت‌های حوزه اجتماعی. در هر یک از این حوزه‌ها، فرد دارای روابطی با دیگران است. وقتی این روابط براساس هنجارهای رفتاری خاص و مشترک، قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی و نظارت برای دیگران شود، یک شبکه اجتماعی شکل گرفته است. هر جامعه دارای تعداد بسیار گسترده‌ای از این شبکه‌هاست. روابط شبکه‌ها برحسب دوامشان مشخص می‌شود و می‌تواند به وسیله تکنیک‌های مختلف اندازه‌گیری شود. مردم معمولاً در چند شبکه مشارکت می‌کنند - شبکه کار و شبکه تفریح^۴. شبکه‌ها موجب سهولت مبادله و جمع‌آوری اطلاعات می‌شود و امکان همکاری و لذت تعامل را به وجود می‌آورد^۵. با توجه به آنچه توضیح داده شد می‌توان سرمایه اجتماعی

۱. Trust، برای آگاهی بیشتر می‌توانید به فرانکوئیس (۲۰۰۰) نگاه کنید. او معتقد است بر پایه اقتصاد کلاسیک، افراد تنها تا زمانی قابل اعتماد باقی می‌مانند که منافع شخصی‌شان در آن باشد و این با تعریف اعتماد از دیدگاه جامعه‌شناسی مغایر است. همچنین پولیت (۲۰۰۲) نیز در مطالعه خود به تعریف اعتماد می‌پردازد که می‌توانید برای آگاهی بیشتر به آن نگاه کنید.

۲. Norm، برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کلمن (۱۹۷۷) و داسگوینا (۲۰۰۰) نگاه کنید.

3. Network

۴. برای آگاهی بیشتر به پالدام (۲۰۰۰) نگاه کنید.

۵. برای آگاهی بیشتر به کوهن و پروساک (۲۰۰۱) نگاه کنید.

را ذخیره‌ای از حس اعتماد، همکاری و مشارکت در بین افراد یک گروه یا جامعه دانست که مناسبت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی به مثابه یک چسب اجتماعی، اعضای جامعه را به هم متصل می‌کند و در عین حال همانند یک مایع اجتماعی مناسبت‌های آنان را سریع، راحت و کم‌هزینه می‌سازد. در واقع سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه انسانی و سرمایه مالی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تولید و کاهش هزینه عمل می‌کند.

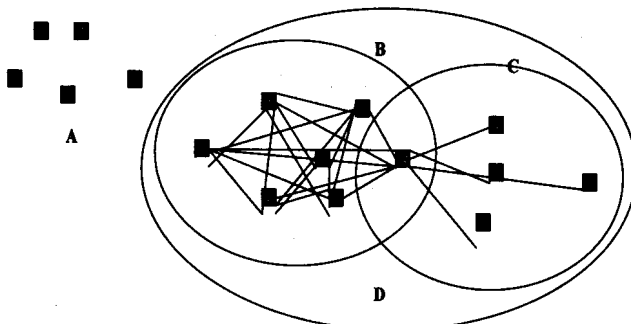
نقش شبکه‌های اجتماعی در انباشت سرمایه اجتماعی

با توجه به آنچه در تعریف سرمایه اجتماعی گفته شد، تشکیل شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان اساس و پایه سرمایه اجتماعی در جامعه به‌شمار می‌رود. کوچک‌ترین واحد مورد مشاهده جامعه‌شناسی، رابطه بین دو فرد یا به عبارت دقیق‌تر، کنش متقابل ناشی از روابط آن‌هاست. در مراحل بعدی با پیچیده‌تر شدن روابط و افزایش خطوط رابط و گسترش کنش، شبکه‌های اجتماعی تشکیل می‌شود. گاهی ممکن است با انسجام بیش از حد درون شبکه‌ای و فقدان ارتباط‌های مناسب بین شبکه‌ها، شبکه‌های متخاصم در جامعه ایجاد شود. در حالی که افزایش عضویت افراد در شبکه‌های متعدد موجب برقراری ارتباط میان شبکه‌های مختلف می‌شود و جامعه را به سوی یک جامعه شبکه‌ای با وجود شبکه‌های همپوشان سوق می‌دهد و سهولت تبادل اطلاعات و کاهش هزینه‌های مبادله و بهبود عملکرد اجتماعی - اقتصادی را در پی می‌آورد.

این مطلب با ترسیم نمودار به‌طور روشن‌تری قابل بیان خواهد بود. در نمودار یک، هر مربع کوچک نماد یک عضو از اعضای یک جامعه فرضی به‌شمار می‌رود که از دیدگاه اقتصاد سنتی مستقل از هم عمل می‌کند و به دنبال تأمین حداکثر منافع شخصی خود است. ولی اگر فرد (الف) را زیر ذره‌بین جامعه‌شناسی قرار دهیم، مشاهده خواهیم کرد که این فرد بر پایه اعتماد متقابل که ناشی از گروه‌های اجتماعی اوست به برقراری ارتباط با افراد مورد اعتماد خود می‌پردازد. حال اگر اعتماد بین این افراد، در وهله نخست به دلیل وجود گروه اجتماعی مشترک، دوم هنجارهای مشترک و سوم اهداف مشترک (نه اهداف مستقل و پراکنده از دیدگاه

اقتصاد سنتی) به وجود آید، موجب گسترش کنش متقابل به دیگر اعضا، از نوع کنش میان فرد (الف) و دیگران می‌شود. در این شرایط، شبکه فرضی B به وجود می‌آید که رفتار آن قاعده‌مند، قابل پیش‌بینی و نظارت توسط دیگران است؛ به گونه‌ای که ویژگی‌های رفتاری اعضای آن معرف هنجارهایی است که شبکه بر پایه آن استوار شده است. حال اگر فرد (الف) به واسطه گروه‌های اجتماعی دیگر با تعدادی دیگر از اعضای جامعه، بر پایه اعتماد متقابل و هنجارهای مشترک، مستقل از هنجارهای شبکه B، شبکه اجتماعی C را به وجود آورد، شبکه‌های متداخل B و C به واسطه وجود یک عضو مشترک ایجاد شده است. در این حالت، توانایی فرد (الف) در گسترش کنش‌های خود به اعضای هر دو شبکه و برقراری روابط مثبت در بین آن‌ها موجب ایجاد شبکه وسیع‌تر و کارآمدتر D می‌شود. در کنار این شبکه، احتمال وجود شبکه دیگری مانند A نیز خواهد بود که مستقل از شبکه D یا در تخصص با آن فعالیت می‌کند!

با توجه به تعریفی که در بخش قبلی از سرمایه اجتماعی ارائه شد و تشریح شبکه‌های اجتماعی در این بخش، به روشنی درمی‌یابیم که سرمایه اجتماعی در اصل، توانایی گسترش کنش‌هاست و یا به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی کنش را از حالت ایستا خارج و به جریان تبدیل می‌کند. سرمایه اجتماعی نیز خود حاصل شرکت در یک کنش مشارکت‌آمیز و مبتنی بر اعتماد است و جریان آزاد اطلاعات را درون یک گروه، سازمان یا جامعه تسهیل می‌کند، بدون آنکه خود یک کنش باشد. بر این اساس ما به فرضیه اصلی پژوهش خود به صورت: «افزایش اعتماد و رشد اقتصادی دارای رابطه مستقیم است»، دست می‌یابیم.



نمودار ۱. شبکه‌های اجتماعی

باید توجه کرد که در درون شبکه‌های A و C
 شبکه B انواع گروه‌های اجتماعی بین افراد
 بود دارد که در اینجا برای پرهیز از پیچیدگی
 کل، خطوط گروه‌های اجتماعی حذف شده است.

پیشینه موضوع

سرمایه اجتماعی از ادبیاتی جدید و در عین حال قدیمی برخوردار است. هنگامی که به جست‌وجوی موضوع سرمایه اجتماعی در درون منابع دانش می‌پردازیم، بیشتر مطالعات را در سال‌های پایانی دهه ۹۰ تاکنون می‌یابیم، اما در همین متون به اشاراتی مربوط به دهه‌های گذشته برمی‌خوریم به نحوی که حتی پیشینه این واژه را به سال ۱۹۱۶ و نوشته‌های هانیفان^۱، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی برمی‌گرداند. این نگاه دوگانه به این واژه ناشی از خلق آن در سال‌های گذشته و تغییر کاربرد آن همراه با رشد مطالعات در سال‌های اخیر است. در هر حال، قدمت این اصطلاح به معنایی که امروز به کار می‌رود، کمتر از یک قرن می‌باشد، اما توجه علوم اقتصادی و سیاسی به این متغیر اجتماعی، موجبات تغییر کاربرد آن و رشد روزافزون مطالعات در این زمینه را فراهم کرده است. هانیفان در سال ۱۹۱۶، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در وصف سرمایه اجتماعی می‌گوید: «چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد، حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد خانواده‌هاست که سازنده واحد اجتماعی‌اند... . اگر کسی با همسایه‌اش و همسایه‌اش با همسایگان دیگر تماس داشته باشد، حجمی از سرمایه اجتماعی انباشته خواهد شد که ممکن است بلافاصله نیازهای اجتماعی را برآورده سازد و شاید حاصل ظرفیت اجتماعی بالقوه‌ای باشد که برای بهبود اساسی شرایط زندگی کل جامعه کفایت کند».

بعد از هانیفان، اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید شد. سال ۱۹۳۵، سیلورمن^۲ در مقاله خود با عنوان «جوهر اصلی اقتصادها» به سرمایه اجتماعی اشاره نمود و در دهه ۱۹۵۰ گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادا (سیلی^۳، سیم^۴ و لوزلی^۵ ۱۹۵۶) و در سال ۱۹۶۱ یک نظریه‌پرداز مبادله^۶ به نام هومانس جکوبز^۷ استاد مسائل شهری، آن را دوباره احیا کرد. جکوبز در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» سرمایه اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌های فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری دانست که در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیم‌ها در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهد. اقتصاددانی به نام اوکونور^۸ در سال ۱۹۷۳

1. Lyda Judson Hanifan
2. Silverman
3. Seely
4. Sim
5. Loosely
6. Exchange theorist
7. Homans Jacobs
8. O'Connor

موقعیت اولیه سرمایه اجتماعی را در پیشرفت پیامدهای اقتصادی مؤثر دانست. در همین دهه اقتصاددان دیگری به نام گلن لوری^۱ در سال ۱۹۷۷ سرمایه اجتماعی را در مجموع منبعی دانست که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد اجتماعی افراد سودمند است. بن پرات^۲ در سال ۱۹۸۰ در تعریف سرمایه اجتماعی روابط بین افراد یک خانواده، گروهی از دوستان یا شرکای یک شرکت را به صورت رابطه F تعریف کرد و به بررسی آثار این رابطه بر مبادله‌های اقتصادی پرداخت. همچنین ویلیامسن^۳ در سال ۱۹۸۱ و بیکر^۴ در سال ۱۹۸۴ نیز به دنبال مطالعات بن پرات، شیوه اثرگذاری یک سازمان اجتماعی بر عملکرد نهادهای اقتصادی را بررسی کردند و مجموعه‌ای از مطالعات اقتصادی را پایه‌گذاری کردند که اقتصاد نهادی جدید نام گرفت. بوردیو^۵ (۱۹۸۳) در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی" از چشم‌انداز جامعه‌شناسی به جزئیات بیشتر سرمایه اجتماعی پرداخت و انواع مختلف سرمایه را به صورت فرهنگی^۶، اقتصادی^۷، کارکردی^۸، کلامی^۹، شخصی^{۱۰}، سیاسی^{۱۱}، حرفه‌ای^{۱۲}، اجتماعی^{۱۳} و نمادین^{۱۴} تعریف کرد. توضیح کار جامعه‌شناسی کلمن^{۱۵} (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) روی سرمایه اجتماعی، بخشی از تئوری اجتماعی است که سطوح خرد و کلان مفهوم را ترکیب می‌کند، اما مشکلی که خود کلمن نیز به آن اشاره می‌کند، ارتباط عملی این سطوح است. از نظر کلمن سرمایه اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل در روابط افراد درون این چارچوب می‌شود، به طوری که فقدان آن ممکن است در دستیابی به یک هدف معین هزینه بیشتری را به افراد جامعه تحمیل کند. کلمن شیوه دیدگاه اعتماد را به صورت مقایسه سه جزء یک سیستم کنش‌گر در حال توسعه، شامل اعتماد دو جانبه واسطه‌ها در اعتماد و اعتماد به شخص ثالث، ارائه می‌کند.

دهه ۹۰ دهه تعدد پژوهش در مورد سرمایه اجتماعی به وسیله اقتصاددانان، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان است. این مطالعات در دو خط کلی جهت گرفته است. خط اول در اصلاح فهم رابطه بین معیارها و شاخص‌های کمی عملکرد اقتصادی - سیاسی سرمایه اجتماعی ترسیم شده است. در خط دوم ادبیات سرمایه اجتماعی، بدنه وسیعی را به عنوان مواد اولیه مطالعات موردی فراهم کرده است. این دروس می‌تواند از مطالعاتی مانند مطالعه پوتنام^{۱۶} در سال ۱۹۹۳ استنباط

1. Glenn Loury
2. Ben Porath
3. Williamson
4. Baker
5. Bourdieu
6. Cultural
7. Economic
8. Functional
9. Linguistic
10. Personal
11. Political
12. Professional
13. Social
14. Symbolic
15. Coleman
16. Putnam

شود. او روابط جغرافیایی را برای توضیح اختلاف بین توسعه جوامع سنتی و دموکراتیک در ایتالیا دخالت می‌دهد. در کار پوتنام اعتماد به‌عنوان بعد مهم سرمایه اجتماعی است. او سرمایه اجتماعی را به‌صورت ویژگی‌های سازمان اجتماعی مثل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل فعالیت‌های مشارکتی بهبود بخشد تعریف می‌کند. فوکویاما^۱ (۱۹۹۵) تحلیل‌های اجتماعی وسیعی را بر پایه دیدگاه اعتماد به‌صورت "انتظارهایی که در جامعه قانونمند، صادق و همکاری مبتنی بر معیارهای مشترک به‌وجود می‌آید"، بسط می‌دهد. او معتقد است سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد، مشروط بر آنکه این هنجارها شامل ارزش‌های مثبت مانند صداقت، ادای تعهدها و ارتباط‌های دو جانبه باشد. کرامر^۲، بروئر^۳ و هانا^۴ (۱۹۹۶)، چهار دسته اعتماد را مبتنی بر مقابله به مثل^۵، استنباطی^۶، جبرانی^۷ و اخلاقی^۸ توضیح می‌دهند. همچنین ادبیاتی نیز در زمینه نقش سرمایه اجتماعی در تولید پیامدهای مطلوب اجتماعی - اقتصادی شکل گرفته است که هنوز این نقش به‌وسیله معیارهای سنتی اقتصادی یا اجتماعی اندازه‌گیری نشده است. با وجود این در انتشارات اخیر فلورا^۹ و وید^{۱۰} (۱۹۹۶)، نارایان^{۱۱} و پریچت^{۱۲} (۱۹۹۶)، اوف^{۱۳} (۱۹۹۸) و تیچمن^{۱۴}، پاش^{۱۵} و کراور^{۱۶} (۱۹۹۷) که به کاربرد سرمایه اجتماعی در تولید پیامدهای مطلوب اجتماعی - اقتصادی پرداخته‌اند، فقدان چارچوب نظری که هدف تولید سرمایه اجتماعی را پی‌گیری نماید، به چشم می‌خورد. وولکاک^{۱۷} در سال ۱۹۹۸ در مطالعه خود بر روی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی به دنبال تشخیص برخی از تفاوت‌های سازمانی بین جامعه‌ای است که در آن مشکلات عملکردی به سادگی و با کارایی بالا حل می‌شود در حالی که در جوامع دیگر به ناکامی، عداوت و ناراحتی‌های هر روزه می‌انجامد. او معتقد است رشد اقتصادی گذشته، حال و آینده، عملکردی صرف از توسعه، فناوری و ترجیح‌ها نیست. این امر فرایندی پیچیده است که سازمان‌دهی اجتماعی نقش مهمی را در آن ایفا می‌کند، اگر چه سازمان‌دهی جامعه خود منعکس‌کننده فرایندهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. او چنین نتیجه می‌گیرد که هنوز باید مطالب زیادی در مورد سرمایه اجتماعی فرا گرفت. اعتقادهای نظریه‌ای و پیشنهاد‌های سیاسی، اساس پژوهش‌های بعدی را تشکیل

1. Fukoyama
2. Kramer
3. Brewer
4. Hnna
5. Reciprocity-Based
6. Elicitive
7. Compensatory
8. Moralistic
9. Flora
10. Wade
11. Narayan
12. Pritchett
13. Offe
14. Teachman
15. Paasch
16. Craver
17. Woolcock

می‌دهد. پورتس^۱ در سال ۱۹۹۸ مشاهده کرد هنگامی که سرمایه اقتصادی در حساب‌های بانکی مردم قرار دارد و سرمایه انسانی در درون فکرشان است، سرمایه اجتماعی در ساختار روابطشان ماندگار است. فدریک^۲، دکارت^۳ و لویز^۴ در سال ۱۹۹۹ در مقاله خود با عنوان "رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی" چگونگی وابستگی سرمایه اجتماعی به رشد اقتصادی و تغییر آن با گذشت زمان را بررسی کردند و به طرح سه پرسش پرداختند:

۱. آیا سرمایه اجتماعی در جوامع، مشابه است و برای توسعه اقتصادی اهمیت

دارد؟

۲. آیا گونه مشابهی از سرمایه اجتماعی به‌طور مساوی برای تمام مراحل توسعه

اقتصادی مناسب است؟

۳. آیا همیشه سرمایه اجتماعی بیشتر، بهتر است؟

آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که: هرگونه یارانه برای گسترش سرمایه اجتماعی، نیازمند هدف‌گیری دقیقی است. تمام شکل‌های سرمایه اجتماعی با یکدیگر برابر نیست و بی‌تردید برخی از شکل‌های آن برای توسعه اقتصادی مناسب‌تر از دیگر شکل‌های آن است. هدف معیارها و فعالیت‌های اجتماعی باید معطوف به کاهش هزینه‌های مبادله در معامله‌ها باشد. در این رابطه شفافیت اجتماعی یکی از اهداف است، هر چند تنها افزایش انتقال اطلاعات باعث کاهش هزینه‌های مبادله نمی‌شود. مایکل پیلیت^۵ در سال ۲۰۰۲ در مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها" برخی پایه‌های اقتصادی سقوط سرمایه اجتماعی را در آمریکا بحث می‌کند و ضمن ارائه تعریفی از سرمایه اجتماعی، در مورد عوامل اصلی آن (اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها) با تفصیل بیشتر توضیح می‌دهد. همچنین در مورد چگونگی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و عوامل تشکیل‌دهنده آن گزارش می‌دهد و آزمون می‌کند که چطور جامعه به‌طور کل و فعالیت‌های اقتصادی به‌طور خاص می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند. گلیرز^۶، لیبسون^۷ و ساکردوت^۸ در سال ۲۰۰۲ در پژوهش‌های خود با عنوان "رویکردی اقتصادی به سرمایه اجتماعی" با استفاده از مدل سرمایه‌گذاری استاندارد اقتصادی، الگوهای انباشت سرمایه اجتماعی را طراحی کردند و نتایج خود را به این صورت ارائه دادند:

1. Portes
2. Fedderke
3. De Kadt
4. Luiz
5. Michael Pillitt
6. Glaesser
7. Laibson
8. Sacerdote

۱. سرمایه اجتماعی با بالا رفتن سن کاهش می‌یابد؛
۲. سرمایه اجتماعی در مشاغلی با توانایی‌های برتر اجتماعی افزایش می‌یابد؛
۳. سرمایه اجتماعی در بین مالکین بیشتر است؛
۴. روابط اجتماعی با افزایش فواصل فیزیکی به شدت کاهش می‌یابد؛
۵. مردمی که در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری می‌کنند، در سرمایه اجتماعی نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند.

فالك^۱ و کیلپاتریک^۲ در سال ۲۰۰۰ در مطالعه خود با عنوان "سرمایه اجتماعی چیست؟ مطالعه تعامل در جامعه روستایی" کشف پاسخ پرسش‌هایی نظیر «سرمایه اجتماعی چیست؟ چگونه می‌تواند توضیح داده شود؟ و حتی اندازه‌گیری شود؟ با فرض امکان تعریف آن آیا می‌توان به‌طور هدفمند آن را ساخت، جمع‌آوری کرد یا کاهش داد؟ آیا می‌توان آن را در تغییرهای تعمدی اجتماعی شرکت داد؟» دنبال می‌کنند. در این پژوهش روابط بین فعالیت‌های اجتماعی در سطح خرد ساخته می‌شود و چشم‌انداز نظری سطوح میانه و کلان ارائه می‌شود. فرانکوئیس^۳ در سال ۲۰۰۲ در کتاب خود با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی" اعتماد دو جانبه و همکاری افراد را به‌عنوان معیاری برای مدل کردن ارتباط بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در نظر گرفت. به این منظور افراد به‌طور کلی به دو دسته کارآفرینان یعنی اشخاصی که خطرپذیر هستند و پیمانکاران یعنی اشخاصی که خطرگریزند ولی در انجام فعالیت‌های اقتصادی با کارآفرینان همکاری می‌کنند، تقسیم شدند. سپس با معرفی تغییری به‌عنوان درجه قابلیت اعتماد پیمانکاران، آثار آن را روی توابع ترجیح‌های کارآفرینان بررسی نمود و ارتباطی ریاضی را بین آن و توابع تولید در اقتصاد برقرار کرد. به این وسیله به بررسی نقش اعتماد در توسعه اقتصادی پرداخت. براساس مدل ریاضی فرانکوئیس نقطه تعادل پایدار به صورت زیر تعیین می‌شود:

$$E[\alpha \pi(p_t)] = \alpha \beta_t \pi(p_t) - k$$

در این رابطه، β معرف سهم پیمانکاران قابل اعتماد از کل پیمانکاران، p_t سهم کارآفرینانی است که وارد عرصه تولیدهای ابداعی شده‌اند، $\pi(p_t)$ کل سود پروژه کارآفرین، $\alpha \pi(p_t)$ سهم سود کارآفرین و k معرف میزان خطرپذیری است که کارآفرین به دلیل احتمال همکاری با پیمانکار غیرقابل اعتماد، به ناچار می‌پذیرد.

1. Falk
2. Kilpatrick
3. Francois

گروتارت^۱ در سال ۲۰۰۴ با استفاده از پرسشنامه، اطلاعات شش بعد از سرمایه اجتماعی شامل گروه‌ها^۲ و شبکه‌ها^۳، اعتماد^۴ و اتفاق نظر^۵، فعالیت‌های گروهی و همکاری^۶، اطلاعات و ارتباطات^۷، چسبندگی اجتماعی و ظرفیت^۸، اختیار و فعالیت‌های سیاسی^۹ را گردآوری کرد. هدف او معرفی ابزاری برای تولید داده‌های کمی در ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه بود. در این مطالعات، سرمایه اجتماعی در کنار گونه‌های دیگر سرمایه انسانی، مالی و فیزیکی یکی از پیش فرض‌های توسعه جوامع تلقی شده است که بدون وجود سطح قابل قبولی از آن، اصولاً محیط مساعدی برای شکل‌گیری رفتار خردمندانه - که پیش فرض اساسی اقتصاد است - فراهم نمی‌شود. تنوع و گوناگونی نظریه‌ها و مطالعات ارائه شده در مورد سرمایه اجتماعی، به وضوح پیچیدگی مفهوم و تعدد عوامل مؤثر بر تشکیل سرمایه اجتماعی و تأثیرگذاری آن را به نوبه خود بر ابعاد مختلف جامعه نشان می‌دهد.

در ایران نیز چندی است که توجه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، سیاسی و اقتصادی به تحلیل ابعاد سرمایه اجتماعی و انطباق آن با موقعیت‌های ویژه کشورمان معطوف گردیده است.

متوسلی و بی‌نیاز در سال ۱۳۸۰ در مقاله خود با عنوان "رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران"، معتقدند پس از وقوع انقلاب اسلامی، ساختار منافع بازی جامعه مدنی به گونه‌ای تغییر یافت که اعتماد و همکاری متقابل به استراتژی جذاب در تعامل‌های اجتماعی مبدل شد. دو پرسش جالب توجه وجود دارد که این مقاله به دنبال پاسخگویی به آن‌هاست:

۱. در دو دهه گذشته پس از انقلاب، سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران چگونه تحول یافته است؟

۲. آیا باز هم می‌توان بر تغییر ساختار منافع اقتصادی بازی اجتماعی به منظور تقویت بیشتر سرمایه اجتماعی تأکید داشت؟ و یا باید ساز و کار جدیدی را براساس وضعیت موجود و پژوهش‌های جدید انجام شده برای تقویت آن تدارک دید؟

نتایجی که به دست آوردند نشان داد، هر چند مردم ایران با انقلاب اسلامی توانستند ساختار نتایج اقتصادی منافع بازی، را به گونه‌ای تغییر دهند که اعتماد و

1. Grootaert
2. Groups
3. Networks
4. Trust
5. Solidarity
6. Collective action and co-operation
7. Information and communication
8. Social cohesion and inclusion
9. Empowerment and political action

همکاری با یکدیگر و دولت، به استراتژی جذاب از نظر اقتصادی تبدیل شود، لکن به زودی در دهه دوم انقلاب، به دنبال عدم حفظ و حراست لازم از ارزش‌های پدید آمده، اعتماد عمومی جای خود را به اعتماد گروهی و خانوادگی داد و مردم خارج از این گروه‌ها ترجیح دادند از بازی جامعه مدنی خارج و به صورت انسان‌هایی منفرد در عرصه اقتصاد و جامعه ظاهر شوند.

علوی در سال ۱۳۸۰ در مطالعه خود روی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، سعی کرد تا ضمن معرفی و بیان اهمیت این مفهوم و کارکردهای آن در مطالعات اجتماعی و اقتصادی، الگوهای مختلف اندازه‌گیری آن را توضیح دهد و در نهایت روش‌هایی را برای افزایش ذخیره سرمایه اجتماعی در سازمان‌ها ارائه کند. او معتقد است، مدیران ایرانی می‌توانند با توجه به ظرفیت بالای تاریخی، دینی و سنتی موجود در فرهنگ ایرانی، با برنامه‌ریزی مناسب برای افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت شبکه‌های اعتماد نظام خود تلاش کنند و براساس آن زمینه توسعه اجتماعی و سازمانی را فراهم آورند.

تشکر و معینی در سال ۱۳۸۰ نیز در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه، با طرح پرسش‌ها و موارد انتقادی نسبت به نظریه اقتصاد ارتدوکس (نظریه اقتصاد نئوکلاسیک)، دلایل و انگیزه‌های توجه به بحث سرمایه اجتماعی را توضیح دادند و سپس با اذعان به این که مفهوم سرمایه اجتماعی می‌تواند برخی از شکاف‌های نظری اقتصاد نئوکلاسیک و دیدگاه‌های توسعه‌ای منتج از آن را به‌خوبی پر کند، به توضیح مفهوم سرمایه اجتماعی و تاریخچه این نظریه پرداختند و به اختصار دستاوردهای آن را برای توسعه برشمردند.

رنانی در سال ۱۳۸۱ در تحلیل خود با عنوان "سقوط سرمایه اجتماعی، بحران عقلانیت و امتناع برنامه در ایران" معتقد است، جامعه کنونی ایران با انهدام سرمایه اجتماعی روبه‌روست که باعث بحران در عقلانیت و عدم امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده است. او معتقد است، در سال‌های پس از جنگ همه‌همت سیاست‌گذاران معطوف به افزایش سرمایه اقتصادی بود، اما در همین دوره سرمایه اجتماعی و انسانی به حدی کاهش یافت که نمی‌توانست از سرمایه‌های اقتصاد حمایت کند، بنابراین تزریق سرمایه اقتصادی به جامعه و اقتصاد پر ثمر نیست.

شاهد این مدعا روند آمار خودکشی، فساد و فحشا، افزایش مهاجرت به خارج، افزایش اعتیاد، جرایم اجتماعی، طلاق، مشکلات روانی، ناهنجاری‌های اجتماعی، سکنه‌های ناگهانی، پرخاشگری، ورشکستگی‌های مالی، چک‌های برگشتی، تصادف‌های رانندگی و افزایش بی‌تفاوتی نسبت به قانون‌شکنی‌هاست. او بر این باور است که هرگونه طرحی برای بازسازی سرمایه اجتماعی مستلزم عبور از شرایط بی‌ثبات و نامطمئن کنونی و پدیداری نوعی تناسب در اقتدار بخش‌های مختلف حکومت و جامعه است.

مؤیدفر در سال ۱۳۸۲ در مقاله خود با عنوان "نگرشی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن"، تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی، روش تخمین عوامل تشکیل‌دهنده آن و بررسی نقش آن در کارایی اقتصادی را دنبال می‌کند. او معتقد است سرمایه اجتماعی به‌عنوان جزء معنوی تابع تولید، تحت تأثیر چهار دسته از عوامل به‌صورت: (۱) نهادی؛ (۲) خودجوش؛ (۳) بیرونی؛ و (۴) طبیعی تشکیل می‌شود.

اسماعیلی و ربیعی در سال ۱۳۸۳ در مطالعه خود روی سرمایه اجتماعی، تبیین کارکردهای مثبت آن در جامعه، تفاوت موجود بین سرمایه اجتماعی و دیگر انواع سرمایه، مسیر رسیدن به سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی و عوامل ایجاد، حفظ و نابودی سرمایه اجتماعی مؤثر را دنبال می‌کند. آن‌ها معتقدند با توجه به موارد زیر می‌توان به افزایش، حفظ و نگهداری سرمایه اجتماعی دست یافت:

- بازیگران محلی و محول کردن اجرای سیاست‌های کلی دولت توسط این بازیگران براساس توانایی‌ها و منابع در دسترس ایشان؛
- کاستن از حجم دیوانسالاری و افقی‌تر کردن عرصه اخذ تصمیم‌ها؛
- ترسیم سیاست‌های اجرایی، شفاف‌سازی در همه عرصه‌های اجتماعی برای افزایش اعتماد مردمی؛
- تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و مثبت اجتماعی در جهت افزایش انسجام اجتماعی؛
- ایجاد شبکه‌های مختلف اجتماعی برای تمامی سلیقه‌های اجتماعی و اهداف مورد قبول جامعه.

ربیعی در سال ۱۳۸۳ در مطالعه خود در مورد "سنجش سرمایه اجتماعی در

منطقه حاشیه‌نشین عرب‌ها در اصفهان، ظرفیت مشارکت و همکاری این اجتماع شهری را به روش میدانی، برای بهبود اوضاع زندگی افراد و پیشرفت منطقه، مورد بررسی قرار داد. انگیزه اساسی پژوهشگر از پرداختن به این موضوع کمک به بومی کردن ادبیات سرمایه اجتماعی و تلاش در راه گسترش و اشاعه آن به شاخه‌ها و رشته‌های مختلف وابسته به علوم اجتماعی و از سوی دیگر بررسی مسائل و مشکلات مناطق حاشیه‌نشین و ارائه راهکارهایی در راستای بهبود وضعیت بود. او معتقد است حاشیه‌نشینان در حاشیه مبادله‌های منابع و اطلاعات جامعه شهری قرار دارند، خود منبع کافی برای ورود به این فرایند را در اختیار ندارند، همچنین با افرادی که آنان را وارد بازی کنند در ارتباط نیستند. ادبیات سرمایه اجتماعی بر آن است تا این بازیگران نیز از حداقل امتیازها و امکانات برنده شدن برخوردار شوند و تا جایی که امکان‌پذیر است، در پرتو همکاری و همیاری که در سطح کل جامعه پدید می‌آید، بتوان بیشترین منابع را تولید کرد و آن را به بهترین وجه توزیع نمود تا همه افراد از زندگی لذت ببرند و احساس خوشبختی کنند.

تمامی این مطالعات نشان می‌دهد، هر چند کمتر از یک دهه از آغاز مطالعه روی سرمایه اجتماعی به لحاظ مفهومی و کارکردی در ایران می‌گذرد، ولی به سرعت با جلب نظر بسیاری از تحلیل‌گران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، این واژه، خود را در ادبیات مطالعات داخلی مطرح ساخته و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در تحلیل تحول و دگرگونی جامعه در کنار سایر عوامل مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، پژوهش حاضر برای نخستین بار از منظری جدید به تبیین پدیده سرمایه اجتماعی، بسط مدل نظری در برقراری ارتباط بین متغیر نرخ رشد اقتصاد و شاخص اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تفسیر روند سرمایه اجتماعی پرداخته است و سپس به‌صورت مقایسه‌ای در استان‌های ایران در مقطع سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۰ به آزمون تجربی نظریه پژوهش پرداخته است.

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی به‌عنوان ذخیره‌ای از حس اعتماد، همکاری و مشارکت در بین افراد یک گروه یا جامعه همانند یک چسب اجتماعی، اعضای جامعه را به هم متصل می‌کند و در عین حال نظیر یک مایع اجتماعی مناسب، مبادلات میان آن‌ها را

سریع، راحت و کم هزینه می سازد. از این رو تفاوت وسعت، عمق و نوع سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف می تواند یکی از دلایل تفاوت عملکرد عوامل اقتصادی در جوامع توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته باشد و تناقض موقعیت واقعی آن ها و پیش بینی نتایج اجرای سیاست های اقتصادی مبتنی بر فرضیه ها را تبیین کند. به عبارت دیگر، در ذات سرمایه اجتماعی ارتقای کارایی از طریق کاهش هزینه های تولید نهفته است. مدل سازی ارتباط سرمایه اجتماعی و رشد تولید، مبتنی بر مفاهیم اساسی در تشکیل سرمایه اجتماعی در قالب روابط ریاضی نیز می تواند به فهم بیشتر این رابطه به عنوان فرضیه اصلی پژوهش کمک کند.

فرانکوئیس در سال ۲۰۰۲ در کتاب خود با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی" تلاش کرد تا این ارتباط را در سطح خرد و در درون قراردادهای پیمانکاری تشریح نماید. از نظر او توسعه اقتصادی به واسطه حضور کارآفرینان در عرصه تولید اتفاق می افتد و این تولید یک تولید ابداعانه و خلاقانه است که او از آن به عنوان تولید مدرن یاد می کند.

بر اساس مدل فرانکوئیس موفقیت یک پروژه کارآفرینی در ارتباط کارآفرین و پیمانکار قابل اعتماد است که تابعی است از احتمال ورود کارآفرین و درجه خطرپذیری آن (P_t) و سهم افراد قابل اعتماد در جامعه (β_t). استنباط فرانکوئیس در ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی این است که مجموع پروژه های موفق کارآفرینی در یک جامعه است که اقتصاد سنتی را به اقتصاد مدرن تبدیل می کند و به رشد و توسعه اقتصادی می انجامد. اما او تنها در تحلیل این مساله احتمال ورود کارآفرینان و سهم افراد قابل اعتماد را مطرح می سازد بدون آن که ارتباط آن را در سطح کلان برقرار سازد. رنانی و همکاران (۱۳۸۵) با ورود سهم کارآفرینانی که وارد عرصه تولید می شوند و سهم افراد قابل اعتماد در جامعه، در تابع تولید، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در سطح کلان را به لحاظ نظری بررسی کردند. در این الگو، فرض می شود تابع تولید کاب - داگلاس در توضیح الگوی ترکیب عوامل تولید در اقتصاد، معنی دار باشد ($Y_t = AK_t^\alpha L_t^\lambda$). در اینجا A تغییرات فناوری، K سرمایه و L نیروی کار و Y_t تولید کل اقتصاد است. مطابق با مدل فرانکوئیس ارتقای فناوری (گذر از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن) زمانی اتفاق می افتد که کارآفرینان وارد عرصه تولید شوند و طی همکاری با پیمانکاران قابل

موفق پروژه‌های کارآفرینی پیردازند. به عبارت دیگر رشد فناوری سهم کارآفرینانی که وارد عرصه تولید می‌شوند (یعنی P_t) در هر دوره‌ای که در شرایط اولیه یک فناوری سنتی است که به واسطه حضور رده‌ای به دوره دیگر رشد می‌کند. بر این اساس، می‌توان نرخ رشد رابطه رشد فناوری به صورت: $A_t = A_0 e^{gt}$ که در آن A_t سطح A_0 ، t ، g متوسط نرخ رشد فناوری اولیه (روش تولید سنتی) و gt متوسط نرخ طی دوره t از نقطه شروع (0) در سال پایه - وضعیتی که به عنوان نظر گرفته می‌شود - است. چنانچه مطابق مدل فرانکوئیس، عامل سهم کارآفرینانی بدانیم که وارد عرصه تولید می‌شود، نرخ رشد درآمد و ورود کارآفرینان، قابل جایگزینی است، یعنی: $g = P_t$. از طرف کارآفرینی، هنگامی به رشد فناوری می‌انجامد که در همکاری با اعتماد، اجرا شود. به عبارت دیگر Y_t هنگامی در اثر رشد فناوری است که علاوه بر ورود کارآفرینان با احتمال P_t و به کارگیری یکی (K_t) نیروی کار قابل اعتمادی را با عنوان پیمانکاران قابل که خود دارای ایده‌های کارآفرینی نیستند ولی با در اختیار قرار خود در قالب نیروهای کاری ساده و ماهر، طرح‌های کارآفرینی را در - به کار گیرد. مطابق با مدل فرانکوئیس، پیمانکارانی موجب طرح‌های کارآفرینی می‌شوند که قابل اعتماد باشند و در هر دوره t بر با β_t در جمعیت هستند. بنابراین تنها بخشی از نیروی کار L_t به دوره t به عنوان عامل تولید Y_t در کنار کارآفرینان و سرمایه‌های بود. در نهایت، تابع تولید به صورت رابطه (۱) بسط می‌یابد که در مدل اقتصادی، $h(Y^\circ)$ تابع توزیع سرمایه اجتماعی، β° نرخ رشد سرمایه، K° نرخ رشد سرمایه اقتصادی و L° نرخ رشد سرمایه انسانی

$$(1) \quad Y^\circ = h(\beta) + (h'ht + \lambda) \beta^\circ + \alpha K^\circ + \lambda L$$

نرخ رشد در اقتصاد، علاوه بر آن که تابعی از تغییرات منابع فیزیکی است، تابعی از سهم افراد قابل اعتماد در هر دوره و زمان است. یا به عبارت ساده‌تر می‌توان نوشت:

$$(2) \quad Y^o = f(\beta, \beta^o, K^o, L^o)$$

آزمون رابطه (۲) به صورت بین بخشی برای استان های ایران، به دلیل فقدان اطلاعات مربوط به موجودی سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی به تفکیک استان ها و محدودیت دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای تخمین شاخص جانشین متغیر سرمایه اجتماعی، به بررسی ارتباط بین نرخ رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی در مقطع ۱۳۸۰، محدود شده است. این مطالعه آغازی است بر بررسی نقش سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی مناطق مختلف، که در مراحل بعدی و افزایش دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، می تواند اثر سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی را به طور دقیق تر بررسی کند.

بررسی تجربی رابطه نرخ رشد اقتصادی و اعتماد در استان های ایران

همان طور که بیان شد، هدف این مقاله آزمون تجربی رابطه مثبت میان رشد اقتصادی و اعتماد متقابل (افراد و واحدهای اقتصادی) در استان های ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۰ است. در این بررسی، اعتماد به عنوان مهم ترین عامل جایگزین برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. به این منظور ابتدا (در بخش پیشین) چارچوبی نظری جهت تبیین آثار مثبت اعتماد بر رشد اقتصادی ارائه شد و اکنون در این بخش با استفاده از داده های موج اول "پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان" در ۲۸ استان کشور، رابطه بین اعتماد: اعتماد خاص^۲ و اعتماد عام^۱ و رشد اقتصادی بررسی شد. اعتماد خاص به مفهوم اعتماد بین اعضای نزدیک به هم مانند: افراد خانواده، خویشاوندان و دوستان است. به این نوع اعتماد «اعتماد اختصاصی شده» نیز گفته می شود و منظور این است که هر فرد به افراد مشخصی از اطرافیان خود اعتماد داشته باشد. در پیمایش یاد شده برای سنجش اعتماد خاص، سه پرسش مطرح شد:

۱. شما اعضای خانواده خود را تا چه حد قابل اعتماد می دانید؟
 ۲. شما اقوام و خویشان خود را تا چه حد قابل اعتماد می دانید؟
 ۳. شما دوستان خود را تا چه حد قابل اعتماد می دانید؟
- که پاسخ گویان با انتخاب یکی از هفت گزینه (اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد و کامل) به پرسش ها پاسخ دادند.

۱. این پیمایش در سال ۱۳۷۹ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح های ملی و با حجم نمونه ۱۶۸۲۴ در ۲۸ استان کشور انجام شد و نتایج آن در ۲۸ جلد استانی و یک جلد ملی در سال ۱۳۸۰ توسط دفتر طرح های ملی منتشر شد.

2. Specialized trust
3. Generalized trust

اعتماد عام، به مفهوم تمايل در اعتماد به مردم خارج از گروه‌هاى نزديك است. در واقع اين نوع اعتماد، به مفهوم اعتماد عمومى است كه مردم در مناسبت‌هاى روزمره خود به ديگران، كه شخصاً نمى‌شناسند، ابراز مى‌كنند، مانند اعتماد خريدار نسبت به يك فروشنده ناآشنا. در پيمائش ياد شده جهت سنجش اعتماد عام در ميان جامعه ايرانيان، پرسشى به صورت زير طرح شد:

شما به هر کدام از گروه‌ها و اصناف اجتماعى شامل كارگران، بنگاه‌داران، آموزگاران، پليس راهنمايى، رانندگان تاكسى، پزشكان، قضات، اساتيد دانشگاه، كسبه، نيروهاى انتظامى، ورزشكاران، روحانيون، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، تجار و بازراريان، و ارتشى‌ها، تا چه حد اعتماد داريد؟

كه در پاسخ به اين پرسش نيز در مورد هر يك از گروه‌هاى اجتماعى بيان شده، پاسخگو يكي از گزينه‌هاى هفت‌گانه (اصلاً، خيلى كم، كم، متوسط، زياد، خيلى زياد و كامل) را انتخاب كرد.

در بررسى صورت گرفته توسط اين پژوهش، هر يك از گزينه‌هاى اصلاً تا كاملاً با نماد $i=0, \dots, 6$ نشان داده شد. سهم هر يك از گزينه‌ها در كل پاسخ‌ها به صورت θ_i نشان داده شد. بنابراين شاخص اعتماد خاص براى هر استان به اين صورت خواهد بود:

$$\text{Str}_j = \sum_i i \theta_i \quad i=0, \dots, 6, \quad j=1, \dots, 28 \quad (16)$$

كه در آن Str_j شاخص اعتماد خاص هر يك از استان‌ها، i نماد هر گزينه و j نماد هر استان است. همچنين اعتماد عام براى هر يك از گروه‌ها و اصناف اجتماعى به صورت زير محاسبه شد:

$$\text{Str}_k = \sum_i i \theta_i \quad i=0, \dots, 6, \quad k=1, \dots, 16 \quad (17)$$

كه در آن k نماد هر يك از گروه‌ها و اصناف اجتماعى است و شاخص اعتماد عام (gtr_k) براى هر يك محاسبه شد. از اين‌رو شاخص اعتماد عام براى هر يك از استان‌ها به صورت زير خواهد بود:

$$\text{gtr}_j = \sum_k \sum_i i_k \theta_{ik} \quad i=0, \dots, 6, \quad j=1, \dots, 28 \quad (18)$$

كه در آن شاخص gtr_j اعتماد عام در هر استان j است. از سوى ديگر به منظور تفكيك شدت اثر اعتماد به گروه‌هاى اجتماعى بر رشد اقتصادى، گروه‌هاى اجتماعى مشمول اعتماد عام، به سه زير شاخه اعتماد به مراجع قانونى، اعتماد به

مراجع اجتماعی و اعتماد به مراجع اقتصادی تقسیم شد و اثر هر یک به صورت جداگانه روی رشد اقتصادی آزمایش شد.

در این پژوهش، گروه‌های اجتماعی به صورت زیر تفکیک شد:

مراجع قانونی شامل: پلیس راهنمایی، قضات، نیروهای انتظامی و ارتشی‌ها، و یا به صورت ریاضی خواهیم داشت:

$$rtr_j = \sum_i i_4 \theta_{i4} + \sum_i i_7 \theta_{i7} + \sum_i i_{10} \theta_{i10} + \sum_i i_{16} \theta_{i16}$$

که در آن rtr_j شاخص اعتماد عام به مراجع قانونی برای هر استان است.

مراجع اجتماعی شامل: آموزگاران، استادان دانشگاه، ورزشکاران، روحانیان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان، و یا به صورت ریاضی می‌توان نوشت:

$$Sctr_j = \sum_i i_3 \theta_{i3} + \sum_i i_6 \theta_{i6} + \sum_i i_8 \theta_{i8} + \sum_i i_{11} \theta_{i11} + \sum_i i_{12} \theta_{i12} + \sum_i i_{13} \theta_{i13} + \sum_i i_{14} \theta_{i14}$$

که در آن $Sctr_j$ شاخص اعتماد عام به مراجع اجتماعی در هر استان است.

مراجع اقتصادی شامل کارگران، بنگاه‌داران، رانندگان تاکسی، کسبه و تجار و بازاریان که با نماد ریاضی به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$ectr_j = \sum_i i_1 \theta_{i1} + \sum_i i_2 \theta_{i2} + \sum_i i_5 \theta_{i5} + \sum_i i_{19} \theta_{i19} + \sum_i i_{15} \theta_{i15}$$

که شاخص $ectr_j$ در این معادله، اعتماد عام به مراجع اقتصادی در هر استان است.

برای بررسی رابطه شاخص اعتماد به تفکیک اعتماد خاص، اعتماد عام، اعتماد به مراجع قانونی، اعتماد به مراجع اجتماعی و اعتماد به مراجع اقتصادی و رشد اقتصادی، تغییرات نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی ۲۸ استان در مقطع ۱۳۷۹-۱۳۸۰ به عنوان متغیر وابسته در برابر هر یک از متغیرهای rtr ، $sctr$ ، gtr ، $ectr$ و str به عنوان متغیرهای مستقل به صورت معادله‌های ساده رگرسیونی تخمین زده شد. همچنین ضریب همبستگی بین متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص‌های اعتماد (rtr ، $sctr$ ، gtr ، str و $ectr$) نیز به عنوان آمار قابل استناد دیگری برای بررسی رابطه رشد اقتصادی و اعتماد محاسبه شد. لازم به یادآوری است که معادله‌ها به دلیل فقدان اطلاعات تشکیل سرمایه به تفکیک استان‌ها کامل نبود و تنها در حد برآوردهای کلی مورد استناد قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده در نمودار ۲ ارائه شده است. پایین بودن آماره R^2 به دلیل بررسی

تغییرات نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی تنها در اثر تغییرات شاخص‌های اعتماد است و مقادیر آن نشان‌دهنده درصدی از تغییرات نرخ رشد است که در اثر تغییر شاخص اعتماد به وجود آمده است. مثبت بودن همه ضرایب، نشان‌دهنده ارتباط مثبت میان رشد اقتصادی و اعتماد است. بزرگترین ضریب، مربوط به شاخص اعتماد خاص است، در حالی که از معنی‌داری ضعیفی برخوردار است، بنابراین با نتایج آن باید با احتیاط برخورد کرد. سپس شاخص اعتماد به مراجع اقتصادی ضریب بزرگتری را نسبت به دیگر شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. با توجه به این که آماره t آن دارای بالاترین سطح معناداری نسبت به دیگر ضرایب بوده و آماره دارین - واتسون منطقه همسانی واریانس را نشان می‌دهد.

همچنین نتایج ضریب همبستگی بین متغیر نرخ رشد اقتصادی و شاخص اعتماد عام به مراجع اقتصادی نیز به میزان $0/06$ پس از ضریب همبستگی بین دو متغیر نرخ رشد اقتصادی و شاخص اعتماد خاص دارای بالاترین مرتبه است و مثبت بودن آن نیز نشان‌دهنده همبستگی مثبت دو متغیر نامبرده است.

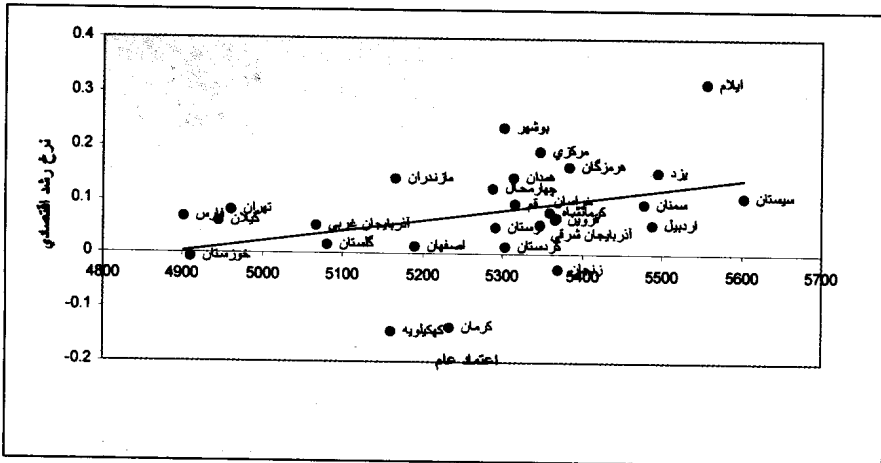
ترسیم نمودار پراکندگی نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی ۲۸ استان در مقطع ۱۳۸۰ روی محور عمودی، در برابر شاخص اعتماد بر روی محور افقی نیز ارتباط مثبت بین شاخص اعتماد و نرخ رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. در هر نمودار، همچنین خط رگرسیون توضیح‌دهنده ارتباط رشد اقتصادی و شاخص اعتماد برآورد و ترسیم شده است. روابط یاد شده در جدول ۱ و نمودارهای ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. رابطه اقتصادی و اعتماد خاص در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰

نام متغیر مستقل	ضریب متغیر	آماره t	R^2	آماره $D-W$	ضریب همبستگی
str	۰,۰۲۴	۰,۸	٪۲,۴	۲,۳	۰,۱۵۶
Gtr	۰,۰۰۰۲	۲,۱۴	٪۱۵	۲,۲	۰,۰۲
Rtr	۰,۰۰۰۲۴	۱,۳۸	٪۶,۷	۲,۱	۰,۰۳۴
Sctr	۰,۰۰۰۳۸	۱,۷۷	٪۱۰,۸	۲,۴	۰,۰۴
ectr	۰,۰۰۰۵۸	۲,۲	٪۱۵,۸	۲	۰,۰۶

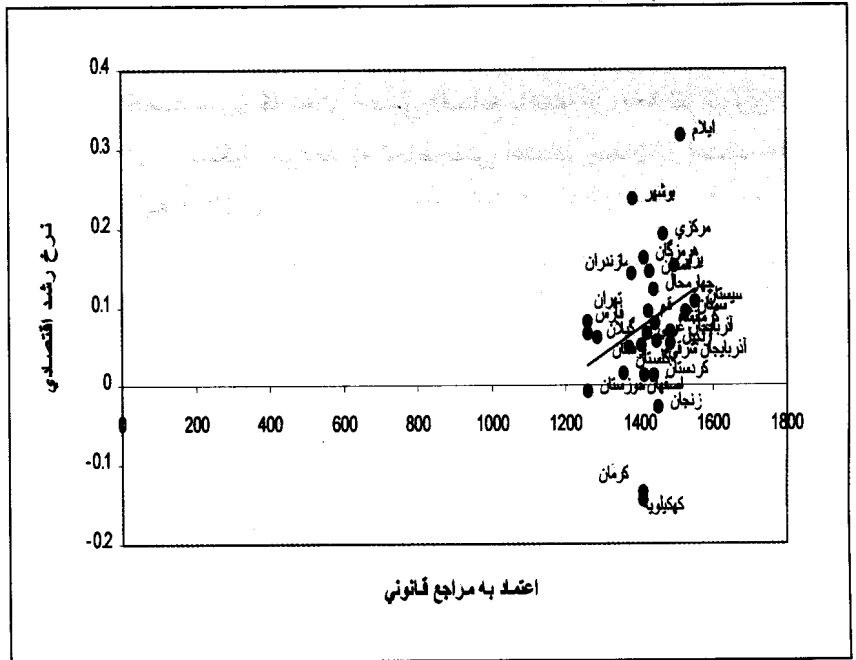
پراکندگی نرخ رشد اقتصادی استان‌ها در برابر شاخص اعتماد خاص با شیب افقی نسبتاً ملایم و مثبت نشان می‌دهد که بین نرخ رشد اقتصادی و شاخص اعتماد خاص، ارتباط مثبتی وجود دارد؛ ولی این ارتباط از درجه حساسیت پایینی برخوردار است. در این نمودار استان‌های با رتبه بالا، به لحاظ اعتماد خاص دارای رشد اقتصادی بالا می‌باشند؛ مانند استان‌های ایلام، بوشهر و مرکزی و در مقابل استان‌هایی مانند استان اصفهان، کرمانشاه، خراسان، خوزستان و کرمان که از درجات پایین اعتماد خاص برخوردارند به لحاظ رشد اقتصادی نیز از رتبه پایینی برخوردارند. هر چند در این میان استثناهایی مانند استان‌های زنجان، گلستان، آذربایجان شرقی و تهران نیز وجود دارد که علی‌رغم بالا بودن شاخص اعتماد خاص در میان جامعه، از نرخ‌های رشد اقتصادی چندان بالایی برخوردار نیستند.

با توجه به تعریف ارائه شده برای اعتماد خاص (اعتماد بین اعضای خانواده، اقوام و دوستان) شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که جوامع دارای اقتصادهای سنتی که به صورت بخش غیررسمی (اقتصاد خانوار) فعال هستند از درجه حساسیت بیشتری نسبت به شاخص اعتماد خاص برخوردارند، مانند: استان بوشهر. جوامع دارای اقتصاد مدرن که بخش رسمی (صنایع با بیش از ۱۰۰ نفر نیروی کار) قسمت عمده آن را تشکیل می‌دهد به لحاظ نقش اعتماد، چندان به اعتماد خاص وابسته نیستند مانند استان تهران.

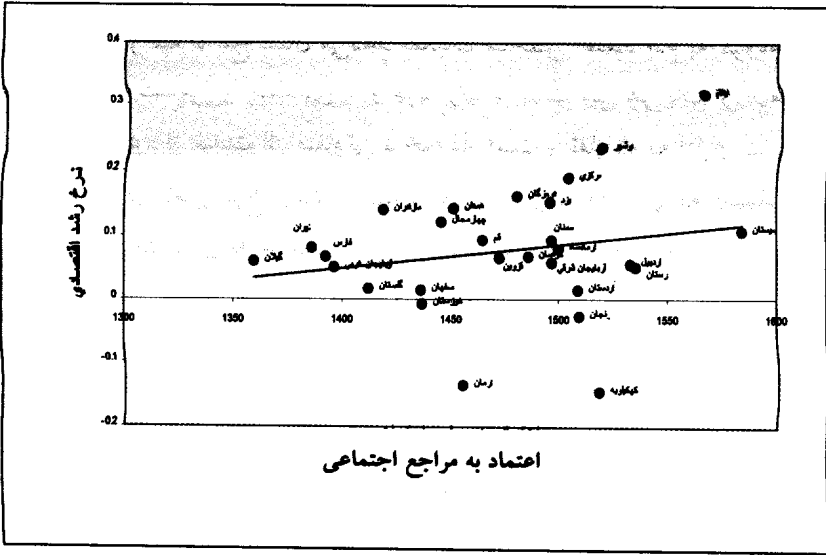


نمودار ۲. رابطه رشد اقتصادی و اعتماد عام در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰

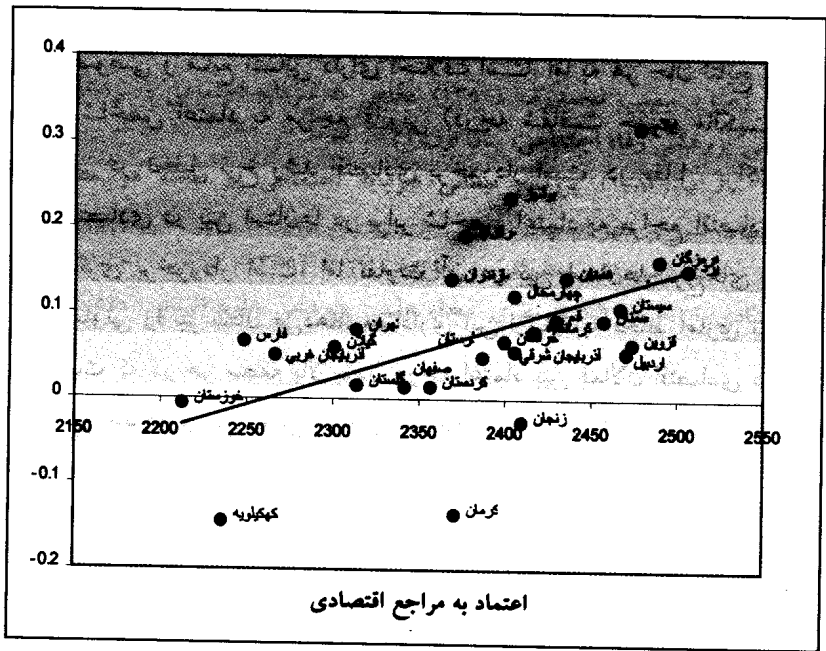
نمودار شماره دو نشان می‌دهد ارتباط بین نرخ رشد اقتصادی و اعتماد عام مثبت و از شیب تندتری برخوردار است، پس به‌طور کلی یک درصد تغییر در شاخص اعتماد عام در استان‌ها، به مراتب اثر بیشتری در رشد اقتصادی نسبت به شاخص اعتماد خاص خواهد داشت. بررسی وضعیت استانی مانند تهران که از رتبه پایینی به لحاظ شاخص اعتماد عام برخوردار است، نشان می‌دهد که وضعیت چندان مناسبی در رشد اقتصادی برخوردار نیستند و در مقابل استان بوشهر با نرخ رشد اقتصادی بالا، به لحاظ شاخص اعتماد عام در میانه نمودار واقع شده است. تغییر مکان این دو استان از نمودار شماره دو به نمودار شماره سه، نقش پررنگ‌تر اعتماد عام را در بخش مدرن اقتصاد و اعتماد خاص را در اقتصاد سنتی تأیید می‌کند. در این میان استان ایلام هم به لحاظ شاخص اعتماد خاص و هم به لحاظ شاخص اعتماد عام از رتبه بالایی نسبت به دیگر استان‌ها برخوردار است که مطابق با نظریه این پژوهش، نرخ رشد اقتصادی بالا، حاصل آن است.



نمودار ۳. رابطه رشد اقتصادی و اعتماد به مراجع قانونی در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰



نمودار ۳. رابطه رشد اقتصادی و اعتماد به مراجع اجتماعی در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰



نمودار ۵. رابطه رشد اقتصادی و اعتماد به مراجع اقتصادی در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰

بررسی نمودار سه تا پنج نشان می‌دهد تفکیک شاخص اعتماد عام به گروه‌های مراجع قانونی، اجتماعی و اقتصادی با وجود ارتباط مثبت بین هر یک از آنها و نرخ رشد اقتصادی، از شدت اثر متفاوتی برخوردار است و تفاوت معناداری بین هر یک از گروه‌ها در تغییر نرخ رشد اقتصادی وجود دارد. به طوری که اعتماد به مراجع قانونی و اقتصادی به مراتب بیش از اعتماد به مراجع اجتماعی، نرخ رشد اقتصادی را متأثر می‌سازد. هر چند پراکندگی نرخ رشد اقتصادی استان‌ها در برابر شاخص اعتماد به مراجع قانونی به سمت وضعیت عمودی متمایل است. این مسئله از یک توجیه کاملاً منطقی برخوردار است. مراجع قانونی با تصویب، اجرا و نظارت بر حقوق مالکیت، اعتماد عام به لحاظ قانونی را محقق می‌سازند. در یک جامعه متمرکز، حقوق مالکیت به لحاظ تنظیم، اجرا و نظارت از وضعیت به نسبت هماهنگی برخوردار است، از این رو در بین استان‌ها شاخص اعتماد به مراجع قانونی نیز وضعیت به نسبت برابری را ارائه می‌دهد، در حالی که نرخ رشد اقتصادی در بین استان‌ها تحت تأثیر دیگر عوامل مانند سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی و منابع انسانی دارای اختلاف است. اما به هر حال نتایج نشان می‌دهد که شاخص اعتماد به مراجع قانونی (درجه شفافیت حقوق مالکیت) از اهمیت بالایی در تحلیل نرخ رشد اقتصادی برخوردار است. در مقابل، پراکندگی نرخ رشد اقتصادی در بین استان‌ها در برابر شاخص اعتماد به مراجع اقتصادی از شیب ملایم‌تری برخوردار است، اما تفاوت آن در بین استان‌ها، نرخ‌های رشد اقتصادی متفاوتی را نیز نشان می‌دهد. معناداری این ارتباط به لحاظ آماری بیانگر این نکته است که در هر منطقه بالا بودن درجه اعتماد بین فعالان اقتصادی دارای نقش مثبت و معناداری در تعیین نرخ رشد اقتصادی است. این مطلب با نظریه پژوهش - حاضر که نقش سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را در قالب قراردادهای پیمانکار و کارآفرین مورد بررسی قرار داد و قابل اعتماد بودن پیمانکاران را از طریق کاهش خطرپذیری ناشی از کارآفرینی را عامل مؤثری در افزایش درآمد مورد انتظار کارآفرینان و افزایش احتمال راهیابی آنان به عرصه تولید می‌داند - کاملاً مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در بخش‌های قبل توضیح داده شد و با اتکا به آزمون تجربی، رابطه شاخص اعتماد و رشد اقتصادی در استان‌های ایران در دوره ۱۳۸۰، نتایج حاصله به ترتیب زیر خواهد بود:

۱. در میان استان‌های ایران رشد اقتصادی و اعتماد دارای رابطه مستقیم است.
۲. اعتماد عام، رشد اقتصادی را به نسبت اعتماد خاص بیشتر متأثر می‌کند.
۳. در میان گروه‌های اجتماعی، اعتماد به مراجع قانونی و اقتصادی به مراتب بیش از دیگر گروه‌ها، دارای رابطه مثبت با رشد اقتصادی است. به عبارت دیگر، بی‌اعتمادی به این مراجع، به شدت منجر به کاهش رشد می‌شود.

منابع

- اسماعیلی، رضا و ربیعی، کامران (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی: از نظریه تا عمل، کمیته سرمایه اجتماعی و بازسازی آن، اصفهان: سازمان آموزش و پرورش.
- تشکر، زهرا و معینی، محمدرضا (۱۳۸۰). نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول، (۴).
- ربیعی، کامران (۱۳۸۳). بررسی میدانی سرمایه اجتماعی در محله عرب‌های حاشیه اصفهان، شورای شهر اصفهان.
- رنانی، محسن، عمادزاده، مصطفی و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی: ارائه یک الگوی نظری. مجله علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، جلد ۲۱ (۲).
- رنانی، محسن (۱۳۸۱). تناسب در اقتدار، آفتاب، (۱۹)، ۱۲-۱۷.
- _____ (۱۳۸۱). سقوط سرمایه اجتماعی، بحران عقلانیت و امتناع برنامه در ایران. آفتاب، (۱۶)، ۲۶-۳۵.
- علوی، سید بابک (۱۳۸۰). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه. تدبیر، (۱۱۶)، ۳۴-۴۰.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن (غلامعباس توسلی، مترجم). تهران: اطلس.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
- لعل، دبیاک (۱۳۸۲). فرهنگ، دموکراسی و توسعه، تأثیر نهادهای رسمی و غیررسمی بر توسعه (وحیده هادی و اصلان قودجانی مترجمان). مجله اقتصادی، سال دوم (۲۴)، ۲۲-۳۲.

- مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۲). نگرشی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، اندیشه صادق. نشریه پژوهشی آموزشی دانشگاه امام جعفر صادق، ۳۰-۳۷.
- متوسلی، محمود و بی‌نیاز، علی (۱۳۸۰). رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران. مجله برنامه و بودجه، (۷۵)، ۳۵-۶۱.
- نورث، سی. داگلاس (۱۹۷۸). ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی (غلامرضا آزاد ارمکی، مترجم)، تهران: نشر نی.
- Ivancevich, J. M. and M. T. Matteson (1989). **Organizational behavior and management**. New York: Business Publications.
- Macey, Shannon (2001). **An Integrated model for performance management, based on ISO 9000 and business excellence models**. Ottawa: National Library of Canada.
- May, Margaret (2003). **Business process management**. New York: Prentice – Hall.
- Schermerhorn, J. R., et al. (2002). **Organization behavior**, New York: John Wiley.